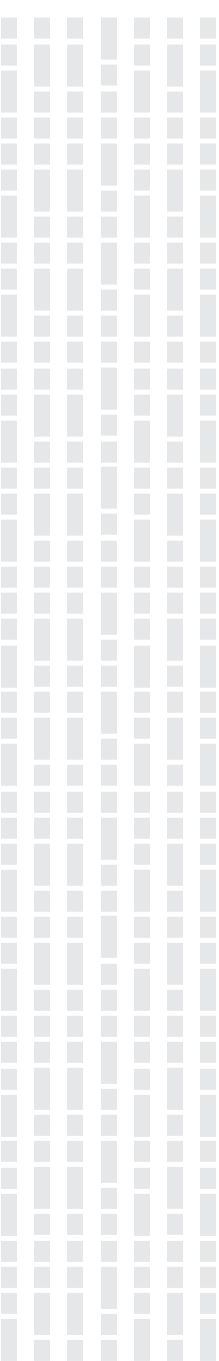


# بحران فلسطین

<span><span><span></span></span></span>
چهارشنبه ۶ تیر ۱۴۰۳
<div><div><span><span>۱۵</span></span><div>دوره</div></div><div><span><span>۴۱۷۰</span></span><div>شماره</div></div></div>
<div><div><span><span><span></span></span></span></div><div><span>www.fdn.ir</span></div></div>



# ۸

**بحران مهمات دست از سر رژیم صهیونیستی برنمی‌دارد**

# تفنگ بی‌بی بدون فشنگ



سیدمهدی طالبی دبیرکروز جهان‌شهر

با خشاب خالی کسی از تفنگ نمی‌ترسد. علاوه بر سلاح، مهمات هم مهم است. بدون مهمات، سلاح، سلاح نیست و یک قطعه زاید است. طی ۹ ماه جنگ به دلیل نیازهای روزافزون، ذخایر مهمات رژیم تحت فشار سنگینی قرار گرفته‌اند. شدت این فشارها باعث شد بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی طی پیامی ویدئویی از آمریکا به‌شکل علنی انتقاد کند؛ اقدامی که به‌نظر دستگاه‌های امنیتی باعث ضربه به رابطه با آمریکا می‌شد اما برای نتانیاهو که اراده جنگ دارد، مهمات از هر چیز دیگری مهم‌تر است. این واقعه برای آمریکایی‌ها تکان دهنده بود، زیرا آنها درطول جنگ به‌شکل فوری ده‌ها هزار تن سلاح در اختیار صهیونیست‌ها قرار داده‌اند. به همین دلیل بود که کاخ سفید با تکذیب ادعای نخست‌وزیر رژیم تاکید کرد: «ما نمی‌دانیم نتانیاهو درباره چه صحبت می‌کند.»

بر همین اساس سایت عبری «واللا» روز گذشته به نقل از منابع خود اعلام کرد که جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا و لوید آستین وزیر دفاع این کشور از میزان بحران مربوط به محموله‌های سلاح خبر نداشتند. واللا گزارش کرده فشار کمبود مهمات باعث شده ایال زمیر، مدیرکل وزارت جنگ رژیم صهیونیستی دستور خرید سلاح و مهمات از دیگر هم‌پیمانان رژیم اشغالگر را صادر کند. طبق گزارش سایت واللاهدف از این اقدام گسترش «استقلال استراتژیک» ارتش رژیم صهیونیستی از طریق گسترش خطوط تولید مهمات و یافتن راه‌حلی‌هایی برای موشک‌ها و بمب‌های هوشمند است.

### عوامل تشدیدکننده بحران مهمات

رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از مجهزترین ارتش‌های جهان طی ۹ ماه جنگ طوفان الاقصی ضمن تحمل تلفات سنگین انسانی شبه‌بحران مزمن کمبود مهمات هم دچار شده است. پیچیدگی و گستردگی میدان درگیری و احتمال وقوع جنگ فراگیر از عوامل این بحران هستند. در ادامه این موضوع بررسی شده است.

## ۱

**اعتراف لیبرمن به از بین رفتن نیمی از نفرت یگان‌های ویژه نیروی زمینی**
باتوجه به صدعات نیروی زمینی، ارتکا به مهمات برای حملات دورایستا در سیاست نظامی رژیم افزایش یافته است. آویگدور لیبرمن وزیر خارجه و وزیر جنگ اسبق رژیم اخیرا اذعان کرده ارتش در نبرد غزه، یک تیپ کامل را از دست داده که یا کشته شده یا زخمی شده‌اند و به همین سبب ارتش به نیروی انسانی جدید نیاز دارد.

برای فهم آنچه لیبرمن افشا کرده باید به بررسی یگان‌های زمینی رژیم پرداخت. به‌طور کلی یگان‌های رزمی نیروی زمینی از ۱۰ تیپ فعال و ۲۱ تیپ ذخیره و درمجموع ۳۱ تیپ تشکیل شده‌اند.

تیپ‌های فعال از نظامیان تشکیل شده و نیروهای تیپ‌های ذخیره از شهروندان رژیم تأمین می‌شود که موظفند در سال ایامی مشخص را به فعالیت نظامی پرداخته و در جنگ‌ها حضور یابند. با وجود آموزش‌های سنگین، نیروهای ذخیره فاقد توان رزمی لازم مانند تیپ‌های فعال هستند. به‌دلیل پیچیدگی جنگ در غزه که شامل مناطق مسکونی و شبکه تونل‌ها می‌شد، بار اصلی این جنگ را یگان‌های فعال به دوش کشیدند؛ به‌ویژه اینکه با طولانی شدن جنگ و غیرممکن بودن استمرار خدمت نظامیان ذخیره بسیاری از آنها به خانه فرستاده شدند.

علی‌رغم اینکه تنها نیروهای فعال قادر به حضور در جنگ هستند، بسیاری از آنها به دلایل مختلفی قادر به نبرد نبودند. رژیم صهیونیستی دارای چندین یگان رزمی ویژه است اما برخی از آنها برای میدان جنگ



طراحی و تشکیل نشده‌اند. «سایرت میرتکل» تحت‌نظر ستادکل ارتش و «شایوت ۱۱۳» تحت‌نظر نیروی دریایی دو یگان برتر رزمی رژیم درکنار گولانی‌اند. سایرت میرتکل و شایوت نیروهایی ویژه برای ماموریت‌های دشوار مانند کمین، نفوذ به عمق دشمن برای آزادسازی اسرا، اسیر گرفتن از دشمن یا کمین علیه او هستند. این دو نیرو به‌عنوان یگان جنگی در میدان مستقر نمی‌شوند و زمان ماموریتی آنها بسیار محدود و حتی زیر ۲۴ ساعت است. البته احتمال دارد در عملیات کمین، مدت اختفای آنها بیشتر از یک روز شود، اما درکل حوزه ماموریتی آنها محدود است و تصرف نقاط دشمن کمتر در حوزه آنها قرار دارد. به‌عبارتی دیگر این دو یگان ویژه به‌حساب می‌آیند اما یگان‌هایی رزمی با نقطه استقرار مشخص در میدان جنگ و خاکریز و جبهه نیستند. بر همین اساس آنها از معادله میدان برکنارند. با کنار رفتن تیپ‌های ذخیره و یگان‌های ویژه تنها تیپ‌های فعال در میدان باقی می‌مانند. البته از میان آنها صرفا واحدهای آموزش دیده‌تر دارای اهمیتند.

در نیروی زمینی علاوه‌بر گولانی روی تیپ گفعاتی نیز حساب می‌شود اما هر دو تیپ پرتلفات و شکست خورده‌اند. دلیل این تلفات و شکست انکای شدید رژیم به این دو یگان در درگیری‌های غزه است. یک تیپ تلفاتی که لیبرمن آن را اعلام کرده احتمالا اغلب آن از دو تیپ گولانی و گفعاتی گرفته شده‌اند. از این رو در محاسبات کیفی – کمی مربوط به میدان، معادل ۵۰ درصد توان ویژه رزمی ارتش و ۱۰ درصد از کمیت تیپ‌های فعال از دست رفته‌اند.

## ۲

**کاهش توان تائینی آمریکا به دلیل تطویل شرایط اضطراری**
شبکه ۱۲ رژیم صهیونیستی به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد: «در ماه‌های اخیر، ارسال تسلیحات توسط آمریکا به اسرائیل ۵۰ درصد کاهش یافته است.» این مقامات گفته‌اند: «دلیل کاهش ارسال تسلیحات به اسرائیل این است که محموله‌های قبلی بدون تأیید کنگره ارسال شده بودند.»

با وجود ادعای این مقامات درخصوص دلیل کاهش ارسال سلاح به‌نظر می‌رسد موضوعی اصلی چیز دیگری باشد. آمریکا در اوج جنگ به‌شکل اضطراری از ذخایر حیاتی خود به رژیم مهمات ارائه کرده است. به دلیل



حفظ شرایط اضطراری به مدت ۹ ماه‌واشنگتن توان ادامه وضعیت قبلی را ندارد. دولت بایدن آنچه در دست داشته را حتی با دور زدن کنگره در اختیار نتانیاهو قرار داده و دیگر توان ادامه روند گذشته را ندارد. به‌شکل طبیعی آمریکا باید ذخایر خود را شارژ کند اما رژیم به‌دلیل فوریت قصد دارد با اعمال فشار بر کاخ سفید جریان سلاح را حفظ کند.

### ۳ حوزه عملیاتی وسیع شده؛ از لبنان و سوریه تا عراق

رژیم هیچ‌گاه با تهدیدی بزرگ و صحنه‌ای فراگیر طی چند دهه اخیر روبرو نبوده است. آخرین جنگ بزرگ و پرتلفات صهیونیست‌ها جنگ ۱۹۷۳ است که ۵۰ سال از آن گذشته است. جنگ‌های دهه‌های بعدی رژیم عمدتا با‌گره‌های شبه‌نظامی بوده و نفرتی هم که صهیونیست‌ها به کارگرفته‌اند، اندک بوده است. در جنگ سال ۲۰۰۶ با لبنان که به ۱۹ سال قبل باز می‌گردد، نیروهایی که مقاومت به کار گرفت چند صد نفر بودند و تعدادشان به هزار نفر نمی‌رسید. در مقابل صهیونیست‌ها نیز جنگ را با ۱۰ هزار نیرو آغاز کرده و سپس به ۳۰ هزار نیرو افزایش دادند؛ اقدامی که بی‌شمر بود زیرا جغرافیای محدود جنگ اجازه به‌کارگیری نیروهای بیشتری را نمی‌داد. در آن برهه تعداد کل نیروهای مقاومت لبنان بین ۱۵ تا ۲۰ هزار برآورد می‌شد درحالی‌که مقاومت در اواخر دهه ۲۰۱۰ آنها را ۱۰۰ هزار نفر و چند روز قبل فراتر از ۱۰۰ هزار نفر اعلام کرد. تعداد نیروها، کیفیت و گسترش جغرافیایی آنها طی این سال‌ها بیشتر شده است. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۰۶ عراق تحت اشغال کامل آمریکا قرار داشت، اما امروزه محل حمله به فلسطین اشغالی است. صهیونیست‌ها اگر قائل به ادامه و گسترش جنگ باشند، باید برای پوشش کامل و همزمان جبهه لبنان، سوریه و عراق برنامه ریزی کنند. در این برنامه ریزی باید مهمات عظیمی ذخیره شوند.

## ۴

**حفظ وجهه هجومی و جلوگیری از فرسایش بازنداندگی**
رژیم می‌داند دشمنانش همان‌گونه که به نقاط قوت تسلیحاتی‌اش واقف هستند از مشکلاتش در حوزه مهمات نیز با خبرند. بدون مهمات انبوه، تسلیحات رژیم بلااستفاده‌اند. از سوی دیگر بدون مهمات، رژیم باید بیشتر از نفرت و نیروهای زمینی استفاده کند اما همین نیروها نیز علیه جبهه‌های دوردست مانند عراق قابل استفاده نیستند.

رژیم می‌داند برای معتبر شدن تهدیداتش نیازمند انبوهی از مهمات است. اگر تهدیدات رژیم معتبر نباشند، انگیزه دشمنان تل‌آویو برای آسیب به این موجودیت افزایش می‌یابد که به معنای کاهش بازاندنگی صهیونیست‌هاست.

### ۱ دورنما

رژیم در صحنه جدیدی قرار گرفته که با وضعیت‌های پیشین جنگ متفاوت است. آنچه نتانیاهو در پیام ویدئویی درباره «توقف دراماتیکی» ارسال سلاح از سوی آمریکا اشاره کرده در اصل صدای خوردن کفگیر تل‌آویو به ته دیگ است. آنها مدت‌ها برای حل این مشکل دویده‌اند، تلفات داده و حتی آن را کتمان کرده‌اند اما دیگر این اتفاق قابل نادیده گرفتن نیست. در این خصوص نکاتی وجود دارد:

رژیم صهیونیستی برای جبران کمبود مهمات مجانی دریافتی از آمریکا، به‌دنبال خرید مهمات از سراسر جهان است. با توجه به بروز مشکلات حقوقی برای رساندن مهمات به رژیم در کنگره آمریکا آشکار است، کاخ سفید قادر به تأمین هزینه‌های خرید از کشورهای دیگر برای نتانیاهو نخواهد بود. بر همین اساس نتانیاهو باید برای دریافت این مهمات پول پرداخت کند. جنگ اوکراین یا تحریک تقاضای فوری برای مهمات در سراسر جهان، هم قیمت‌ها را بالا برده و هم به عامل کمبود تبدیل شده است؛ صهیونیست‌ها در بد شرایطی مجبور شده‌اند دست در جیب کنند. البته جو سنگین علیه رژیم صهیونیستی امکان خرید از بازارهای جهانی را محدود کرده و تل‌آویو برای راضی کردن فروشندگان باید مبالغ بالاتری پیشنهاد کند.

پیش‌بینی می‌شد با بروز بحران مهمات در سرزمین‌های اشغالی آمریکا نقش مستقیم‌تری در جنگ ایفا کند که این اتفاق رخ داد. گرفتاری رژیم در جنگ طوفان الاقصی و ناتوانی‌اش از عملیات علیه جبهه‌ای مانند یمن ورود مستقیم آمریکا و حتی انگلیس را به‌دنبال داشت، اما طولانی شدن درگیری‌ها هر دو کشور را خسته و فرسوده کرده است. ازاین‌پس دیگر واشنگتن ظرفیت و تمایلی برای گسترش حمایت از رژیم در منطقه ندارد. در همین راستا ژنرال چارلز براون، رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا اعلام کرده که کشورش، احتمالا قادر به کمک به رژیم در دفاع از خود در قبال جنگی گسترده‌تر با حزب‌الله به همان شکل کمک به آن در دفاع از خود در قبال حمله موشکی گسترده ایران به اراضی اشغالی طی عملیات «وعده صادق» نخواهد بود. اگر ورود آمریکا در دوره قبلی جنگ ترمیمی بر بحران مهمات در فلسطین اشغالی بود، امروزه با آشکار شدن خودداری واشنگتن از انجام اقدامات بیشتر، تل‌آویو باید با سرعت بالایی بر بحران فایق آید. این مساله نشان دهنده تعمیق بحران کمبود مهمات در رژیم است.

نتانیاهو و ائتلاف دولتی‌اش برای حفظ حیات سیاسی خود راهی جز ادامه جنگ برای خود متصور نیستند. بر همین اساس تحولات کنونی نشانه‌ای از کاهش احتمال حماقت تل‌آویو نیست. حتی احتمال می‌رود صهیونیست‌ها از این اتفاق برای فریب محور مقاومت استفاده کنند. احتمال این موضوع اندک است اما به‌دلیل حماقت بالاو مخمصه‌ای که نتانیاهو در آن گرفتارده باید در محاسبات گنجانده شود.

به نظر می‌رسد یکی از عوامل بالا رفتن سروصدای مقامات رژیم علیه لبنان تهدید به جنگ تلاش برای پرزنگ کردن بازآرندگی کاهش یافته با لفاظی است. تل‌آویو قصد داشته برای جلوگیری از اثرگذاری منفی بحران مهمات، با تهدید لبنان به آغاز جنگ خود را آماده نشان دهد. اظهارات روز گذشته «تراچی هانگی» مشاور امنیت داخلی رژیم صهیونیستی در این خصوص که تل‌آویو طی هفته‌های آینده سعی خواهد کرد جنگ با حزب‌الله را حل‌وفصل کند و راهکار دیپلماتیک را ترجیح می‌دهد، در همین راستا قابل ارزیابی است.

**در آستانه انتخابات سراسری در انگلستان**

# غزه؛ گواهی آشکار بر ضعف فرهنگ سیاسی انگلیس



میراحمدرضا مشرف پژوهشگرمسائل بین‌الملل

در شرایطی که کمتر از دو هفته به برگزاری انتخابات سراسری در انگلستان باقی‌مانده، بحث‌ها و مجادلات انتخاباتی بر سر مسائل مختلف داخلی و خارجی در این کشور به نقطه اوج خود رسیده است. عملکرد بسیار ضعیف حزب حاکم محافظه‌کار در سال‌های گذشته و به‌خصوص در چند ماه اخیر، تقریبا تردیدی باقی نگذاشته که ساختمان شماره ۱۰ داونینگ استریت خود را برای اقامت مستاجران جدیدش از حزب کارگر مهیا می‌کند. اگرچه این جایگزینی و تحول می‌تواند در برخی حوزه‌های داخلی و خارجی مصدر تغییر و تحولاتی در سیاست انگلستان شود؛ با این حال انتظار نمی‌رود که این تحول در رویکردها و سیاست‌های تامل‌برانگیز و به قول برخی تحلیلگران انگلیسی «شرم‌آور» لندن در قبال بحران غزه، تغییر چندانی ایجاد کند. این همان موضوعی است که ظاهرا «اون جونز» تحلیلگر روزنامه انگلیسی «گاردین» نیز کاملا با آن موافق است. بر این اساس وی به فقدان توجه به مسائل غزه در عرصه رقابت‌های انتخاباتی از جانب هر دو حزب محافظه‌کار و کارگر پرداخته و آن را دستمایه طرح انتقاداتی تندوتیز نسبت به رویکردها و سیاست‌های آنها در این مورد خاص و همچنین در رابطه با فرهنگ سیاسی کشورش قرار می‌دهد. در ادامه بخش‌های مهم مقاله جونز را می‌خوانید.

### فرهنگ سیاسی این کشور جدی است یا نه؟

«اون جونز» بحث خود در مورد غزه را با یک انتقاد کلی‌تر از فرهنگ سیاسی این کشور آغاز می‌کند؛ این یک کشور جدی است یا نه؟ این مساله به حد کافی رسواکننده است که برنامه‌های تبلیغاتی انتخابات سراسری در چنین مقیاس وسیعی از بحث در مورد مسائل تعیین‌کننده که ما در طی نیم‌دهه آینده در خانه و خارج از خانه با آن روبرو خواهیم شد – اعم از هزینه‌های عمومی، نظام بهداشت و سلامت یا آموزش – فاصله داشته باشند. اما

به‌طور خاص اینکه چگونه قتل عام در غزه و موقعیت این دولت در حال فروپاشی و بحث جایگزین آن، با چنین سرعتی به دست فراموشی سپرده شده، بسیار تکان‌دهنده است. فقط در این هفته اسرائیل تهدید به یک جنگ تمام‌عیار با لبنان کرده است، درحالی‌که رهبر حزب‌الله نسبت به وقوع جنگی بدون «قوانین یا سقف» هشدار داده است؛ تهدیدی که چشم‌اندازی از یک حمام خون، بسیار شدیدتر از آنچه توسط اسرائیل و با نسل‌کشی وحشیانه در غزه به راه افتاده است را در پیش روی ما قرار می‌دهد. در عین حال سخنگوی وزارت دفاع اسرائیل بر این مساله اذعان کرده که قابلیت نابودی حماس از طریق نظامی وجود ندارد؛ درواقع اعترافی بر اینکه هدف اصلی جنگ و عاملی که از آن برای توجیه کشتار ده‌ها هزار تن استفاده می‌شود، عملا دست‌نیافتنی است. از سوی دیگر سازمان ملل گزارشی را منتشر کرده که در آن شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بمباران اسرائیل در غزه ممکن است به‌طور سیستماتیک قوانین جنگی در حفاظت از غیرنظامیان را نقض کرده باشد.

### غزه؛ رسوایی سیاسی بزرگ برای هر دو حزب

به یاد داشته باشید حمله اسرائیل به غزه رخدادی است که دولت بریتانیا و در کنار آن اپوزیسیون دولت [حزب کارگر] هر دو از همان ابتدا حمایت‌بی‌محابایی از آن نشان دادند. در ماه اکتبر نخست‌وزیر ما قول حمایت «بی‌چون و چرا» و همیشگی از اسرائیل را داد. درحالی‌که جانشین قرب‌الوفوق‌وی «کیر استارمر» [رهبر حزب کارگر] از حق مشروع اسرائیل برای قطع انرژی و آب حمایت کرد؛ هرچند وی بعدا ادعا کرد از اظهارات‌ش سوء تعبیر شده و او هرگز از این مساله حمایت نکرده است. هیچ‌یک از احزاب سیاسی معهد به پایان دادن به فروش تسلیحات به اسرائیل نشده‌اند، حتی در شرایطی که دادستان ارشد دادگاه کیفری بین‌المللی – که خود یک وکیل بریتانیایی است – درخواست صدور حکم بازداشت نخست‌وزیر اسرائیل، بنیامین نتانیاهو و یوآو گالانت، وزیر دفاع او را به اتهام جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت را مطرح می‌کند. این خود گواه چیزی است که باید یک رسوایی سیاسی بزرگ قلمداد شود. رهبران هر دو حزب باید برای حمایت از آنچه که یکی از بزرگ‌ترین جنایات عصر ما

محسوب می‌شود، مورد بازخواست قرار گیرند؛ به‌خصوص با در نظر گرفتن وعده‌های خونریزی که از همان ابتدا توسط رهبران اسرائیلی مطرح شده بود.

### دنباله‌روی لندن از وزارت خارجه آمریکا

اما اینکه هر دو حزب سیاسی در حال حاضر از آتش‌بس و تشکیل دولت مستقل فلسطینی حمایت می‌کنند، پاسخ آشکاری به نظر می‌رسد. با این حال چنین فراخوان‌هایی برای صلح تنها پس از آن مطرح شد که بخش عظیمی از غزه ویران شد و هزاران غیرنظامی که اغلب آنها کودکان بودند، زیر آوارها مدفون شدند. درواقع هر دو حزب فقط در انتظار هضم آخرین موضع‌گیری وزارت خارجه ایالات متحده هستند تا بتوانند به آهستگی پشت سر آن رژه بزنند؛ موضوعی که فقدان هرگونه سیاست خارجی مستقل از جانب انگلستان را نشان می‌دهد. مهم‌تر اینکه وقتی شما متعهد به تسلیح اسرائیل هستید، آن وقت فراخوان برای آتش‌بس چه معنایی دارد؟ و همه اینها در شرایطی رخ می‌دهد که هر دو حزب از موضع‌کشورهایی چون اسپانیا و ایرلند در به رسمیت شناختن فوری کشور فلسطین اجتناب می‌کنند.

### غزه را نمی‌توان نادیده گرفت

با در نظر گرفتن این موضوع که مساله غزه و پرشش در مورد آن، سوالی در مورد زندگی و مرگ در مقیاسی عظیم است، سیاستمداران ما باید مجبور به پاسخگویی باشند. با این حال وقتی وزیر خارجه دیوید کامرون، هفته گذشته از سوی بی‌بی‌سی «مورد بازرجویی قرار گفتم، مصاحبه‌کننده زمان این پرشش و پاسخ را به طرح مباحثی چون اعتماد و خانه‌سازی گذراند. در برنامه شبانه «زمان پرشش بی‌بی‌سی از رهبران» در روز پنجشنبه نیز حتی یک سوال و جواب در رابطه با غزه مطرح نشد. اما واقعا این‌گونه است؟ واضح است موضوع غزه برای بسیاری از بریتانیایی‌ها اهمیت دارد. از اکتبر گذشته تاکنون صدها هزار نفر رهاپیمایی کرده‌اند. در اوایل سال جاری و در انتخابات میان دوره‌ای منطقه روچیدل، مساله غزه به‌طور عمده‌ای تعیین‌کننده پیروز انتخابات بود. در انتخابات محلی نیز غزه تاثیر غیرقابل

<sup>[1]</sup> در آستانه انتخابات سراسری در انگلستان